

از رویا تا واقعیت

سید غلامرضا فلسفی
کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی

اشاره

تحولات پرشتاب در عرصه فناوری، انسان عصر حاضر را که در آزادراه‌های ارتباطی با سرعت هر چه تمام‌تر طی طریق می‌کند، به یادگیری روزآمد نحوه بهره‌مندی از رسانه و رمزگشایی بهینه از پیام‌های آن ملزم ساخته است. سواد سنتی، در قالب دانش و مهارت خواندن، نوشتن و حساب کردن، دیگر پاسخ‌گوی تام و تمام نیازهای انسان شبکه‌وند نیست و ضرورت آموختن سواد‌های مدرن به‌شدت احساس می‌شود. بسیاری از صاحب‌نظران عرصه ارتباطات، آموزش سواد‌های مدرن را راهی برای ورود و مقدمه‌ای برای استقرار ساکنان دهکده جهانی در جامعه ارتباطی می‌پندارند. آن‌ها از بین انواع سواد‌های مدرن، از جمله سواد اطلاعاتی، سواد دیجیتالی و سواد بصری، سواد رسانه‌ای را با عنایت به ماهیت بسیطش، شالوده دیگر سواد‌های مدرن می‌دانند و نقش نظام تعلیم و تربیت را در تحقق این مهم بی‌بدیل ارزیابی می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: آموزش سواد رسانه‌ای، سواد رسانه‌ای در مدارس، سواد‌های مدرن.

شده‌اند. آنان به‌طور جدی می‌پرسند: این درس‌ها که دانش‌آموزان در کلاس فرامی‌گیرند، در مقابل موج عظیم و مؤثر تبلیغات، فیلم‌ها و اخبار چه اثری دارد؟»

نگرانی لیویس درباره هم‌اوردی نابرابر کتاب‌های درسی مدارس انگلستان با هژمونی رسانه‌های آمریکایی و به‌ویژه هالیوود، در گذر ایام به دغدغه دیگر کشورهای توسعه‌یافته چون کانادا، ژاپن، آلمان، آمریکا و روسیه بدل شد تا آنجا که موضوع آموزش سواد رسانه‌ای در برنامه درسی دوره‌های گوناگون تحصیلی بسیاری از این کشورها جای گرفت. به‌گفته شیپا تا، «انتاریو» نخستین مکانی بود که سواد رسانه‌ای را در برنامه درسی مدارس گنجانید و کار تا بدان‌جا پیش رفت که بنا به گفته براون، از میانه دهه ۱۹۹۰ در استرالیا آموزش سواد رسانه‌ای از مهد کودک تا دوازدهمین سال تحصیل اجباری شد. برخی صاحب‌نظران معتقدند: امروزه سواد رسانه‌ای در جوامع مختلف اهمیتی فزون‌تر یافته است. چرا که با رشد فناوری‌های نوین و کثرت رسانه‌های نوظهور، تولید اطلاعات، برقراری ارتباطات و روش‌های انتشار پیام، دچار نوعی پیچیدگی زبانی شده است که به تناسب آن، شهروندان به‌ویژه دانش‌آموزان باید توانایی بهره‌مندی بهینه از رسانه‌ها و پیام‌های رسانه‌ای را بیابند. این قبیل صاحب‌نظران با بیان اینکه در برخی کشورها مانند انگلستان، سواد رسانه‌ای جزئی از آموزش‌های اجباری است، تصریح می‌کنند: همان‌طور که در ایران سال‌ها برای مبارزه با بی‌سوادی در قالب نهضت سوادآموزی - فارغ از کیفیت آن - تلاش می‌شود، نهضت آموزش سواد رسانه‌ای نیز باید از مدارس آغاز شود.^۱

بر اساس منابع موجود، اولین بار به مفهوم سواد رسانه‌ای و نسبت آن با نظام تعلیم و تربیت در کتاب «فرهنگ و طبیعت» اثر فرانک ریموند لیویس به سال ۱۹۳۳ اشاره شد. لیویس در مقدمه این کتاب نگرانی عمیق خود را از تأثیر رسانه بر دانش‌آموزان این‌گونه ابراز می‌دارد: «بسیاری از معلمان انگلیسی دچار نگرانی و تردید

ع موضوع سواد رسانه‌ای در ایران با تأخر زمانی نسبت به دیگر کشورهای جهان - که به‌نوعی می‌تواند ورود دیر هنگام به کهکشان گوتنبرگ و تبعات نامیمون آن را تداعی گر شود - از قریب به ۴۰ سال قبل با بحث رابطه رسانه با مخاطب و سهم رسانه در تربیت دانش‌آموزان، به متون علمی کشور راه یافت. در تعاقب پذیرفته شدن اهمیت این امر، طنین واژه سواد رسانه‌ای و آموزش آن در اتمسفر بوم‌شناسی ارتباطی ایران پربسامدتر شد، اما هیچ‌گاه به‌طور جدی و نظام‌مند جنبه عملی نیافت. «مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی» در سال ۱۳۸۵ در گزارشی، ضمن انتقاد از وضعیت آموزش سواد رسانه‌ای، اعلام کرد که باوجود برخوردار بودن کشور از شرایط خاص درونی و بیرونی، تاکنون اقدامی مؤثر در زمینه آموزش سواد رسانه‌ای انجام نشده است. دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس در این گزارش با نام «سواد رسانه‌ای، رویکردی نوین به نظارت رسانه‌ای» پیشنهادهایی برای توسعه سواد رسانه‌ای اعلام کرد که بخشی از آن مطالبات، به نظام تعلیم و تربیت رسمی معطوف است.

ع نیک‌بختانه پس از سال‌ها، این رویا رنگ واقعیت به خود گرفت و در بهمن‌ماه ۱۳۹۴، براساس مصوبه «شورای عالی آموزش و پرورش» برای اولین بار در تاریخ نظام تعلیم و تربیت، درسی با عنوان «تفکر و سواد رسانه‌ای» به‌عنوان‌های مصوب درسی افزوده شد و دانش‌آموزان پایه دهم تمامی رشته‌های تحصیلی درسال تحصیلی ۹۶ - ۱۳۹۵، امکان بهره‌مندی از کتاب درسی و دیگر اجزای بسته آموزشی آن را یافتند.

مأموریت اصلی این کتاب پرورش شایستگی‌های زیر در دانش‌آموزان است:

- مدیریت بهره‌مندی از رسانه‌ها؛
- توانایی نقد و بررسی هوشمندانه پیام؛
- توانایی تولید مؤثر پیام رسانه‌ای.

تحقق مأموریت‌های فوق در گرو طراحی دقیق آموزشی برای کسب انتظارات عملکردی خاص و مشترک این درس از سوی فراگیرندگان قرار داشت. به‌همین دلیل، گروه مؤلفان محتوا را در چارچوب علم برنامه‌ریزی درسی انتخاب و سازمان‌دهی کردند و بر مبنای «پنج سؤال کلیدی سواد رسانه‌ای» بنا نهادند. از نکات اساسی و قابل توجه این کتاب رویکرد «مسئله‌محور» آن است که بر این اساس، متریبان برای آموختن مفاهیم اساسی برگزیده، در موقعیت‌های مؤثر یادگیری قرار می‌گیرند. از مفاهیم اساسی موجود در کتاب درسی مزبور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- رسانه
- پیام
- بازنمایی
- فنون اقناع
- کلیشه
- مخاطب‌فعال

- حقوق مخاطب
- سبک‌زندگی
- رژیم مصرف رسانه‌ای
- اخلاق رسانه‌ای

ع پاره‌ای مسائل تولید این کتاب را دارای اهمیتی مضاعف می‌کرد که شاید بارزترین آن‌ها نبود پیشینه رسمی و مدون برای آموزش سواد رسانه‌ای در آموزش و پرورش و آموزش عالی ایران بود. طی سال‌های اخیر سواد رسانه‌ای به یک برند علمی و آموزش آن به کسی پول‌ساز تبدیل شده است. از این‌رو برخی مدارس خاص به موازات نهادها، ارگان‌ها، سازمان‌ها و دستگاه‌های مختلف در کلان شهرهای کشور به آموزش آن پرداختند که البته محتوای مورد استفاده اکثر آن‌ها به همه چیز شباهت داشت غیر از آموزش سواد رسانه‌ای! مع‌الاسف در دانشکده‌های علوم ارتباطات کشور نیز وضع امیدوارکننده‌تر از آموزش و پرورش نبود.

ع با شرایط حاکم بر فضای گفت‌وگویی پیرامون سواد رسانه‌ای و آموزش آنکه شرحش به اجمال رفت، پس از رونمایی از این کتاب درسی، افکار عمومی طیفی گسترده و چند لایه از صف‌بندی‌ها را شاهد بود. اندکی از واکنش‌ها به کتاب معطوف بود و شوربختانه، بسیاری به بهانه کتاب مجالی یافتند برای طرح آمال و عقاید فروخورده شخصی، دانشگاهی و سیاسی. تازه از گرد راه رسیده‌هایی که تا قبل از انتشار این کتاب، در عرصه سواد رسانه‌ای و آموزش آن ردی از آنان به چشم نمی‌خورد، به یکباره حسن فعلی و فاعلی در این خصوص بر آنان مشتبه شد و خود را منجی پنداشتند. برخی بزرگان نیز به دلایلی چون عدم ذکر **هریت** در ابتدای نام **مارشال مک‌لوهان** در کتاب مزبور، و اسفاگوین بر آن خط بطلان کشیدند. از دگر سو، دون کیشوت‌هایی با چرخاندن قلم‌های چوبین خود در فضای ارتباطی کشور، سهم خود و یونسکو! را از این خوان طلب می‌کردند. بماند که برخی تربیون‌های شناسنامه‌دار سیاسی، با بازنمایی منفی تعدادی از تصویرهای کتاب، سوگ مرثیه‌ها به راه انداختند و قیصریه‌ها به آتش کشیدند. البته بسی جای خوش‌بختی است که کم نبودند بزرگانی چون **دکتر خانیکی** که با رعایت اخلاق ارتباطی، فاخرانه نقدهایی ارزشمند و قابل تأمل بر کتاب وارد کردند. ع راقم این سطور که خود را در زمره دغدغه‌مندان حوزه آموزش سواد رسانه‌ای می‌داند و طی بازه زمانی شش‌ماهه طراحی و تولید این کتاب، از نزدیک شاهد مساعی بی‌وقفه گروه مؤلفان بوده است، علیرغم وجود برخی کاستی‌ها، فرجام مبارک این تلاش‌های مجدانه را به فال نیک می‌گیرد و آرزومندست، انجام ارزشیابی‌های دقیق علمی و استمرار نقدهای وزین عالمان مشفق، به ارتقای کیفی کتاب مزبور طی سال تحصیلی آتی و ادامه مدبرانه و امیدبخش نهضت سواد رسانه‌ای که به‌واسطه تألیف این کتاب به‌طور رسمی در کشور آغاز شده است، منجر شود.

پی‌نوشت

۱. گفت‌وگوی نگارنده با دکتر حسینی افخمی، ۹۴/۱۲/۳.